

رفع مشکل فیلم‌هایی که به خاطر چند بازیگر اکران نمی‌شوند، شدنی است؟

ارشاد در مخمصه نجات فیلم‌های ستاره‌دار

صفحه ۱۴



تعامل انتخاباتی

درباره فشار غیرمعمول مجلس برای برکناری
معاون وزیر کشور و قبول آن با حکم ساعت ۱۱ شب

صفحه ۲

روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
۵۰۰۰ تومان

فصل جدید راپو میسون:
روایت سال‌های جنگ



شماره مسلسل ۴۶۷۲
مستطیبه ۲۳ مرداد ۱۴۰۲
۱۴۴۵
۱۵ آگوست ۲۰۲۳
شماره ۲۹۲۶

www.fdn.ir | Tue | 15 Aug 2023 | vol.15 | No. 3936 | 16 Pages



بعد از هیاهوی زیاد برای قانونی شدن واردات خودرو
در یک سال اخیر فقط ۷۰۰ ماشین وارد شده است

یک درصد وعده ماشین وارداتی آمد

صفحه ۸

«فرهیختگان» وضعیت بلیت هواپیما و رومینگ موبایل ۲ سفر را بررسی می‌کند

ستاد تسهیلات سفر به آنتالیا فعال تر از ستاد اربعین

۱۶

سرپرست مرکز مطالعات، برنامه‌ریزی و تعالی علوم انسانی و هنر دانشگاه آزاد:

۵۰ عنوان برنامه درسی بازنگری شدند

۴

رئیس دانشگاه آزاد استان تهران در پاسخ به «فرهیختگان»:

مشارکت با صنایع اولویت‌مان در مولدسازی است

۳

«خبر»

پیام دکتر ولایتی به سیدحسن نصرالله
در سالروز جنگ ۳۳ روزه

تورریسم صهیونیستی مانع فروپاشی آنها نمی‌شود

مشاور بین الملل مقام معظم رهبری در
پیامی سالروز پیروزی تاریخی حزب الله
لبنان را تبریک گفت. متن این پیام به شرح زیر
است:

برادر مجاهد حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای
سیدحسن نصرالله
دبیرکل محترم حزب الله لبنان
سلام علیکم

احتراما هفدهمین سالگرد پیروزی غرورانگیز جنگ
۳۳ روزه در مقابل اشغالگران صهیونیستی را به
جنابعالی، رزمندگان غیور مقاومت، ملت مظلوم
منطقه و مردم شریف لبنان تبریک عرض می‌نمایم.
پیروزی در این میدان که در پرتو ایمان، جانفشانی،
تدابیر دقیق و توکل به خداوند متعال محقق شد،
یکی از رخدادهای مهم و تعیین کننده در طول
تسام نبردهای جبهه مقاومت اسلامی و رژیم
تورریستی صهیونیستی است که با گذر زمان
اهمیت، دستاوردها و ارزش راهبردی آن بیش از
پیش نمایان می‌شود.

این جنگ خط بطلانی بر افسانه شکست‌ناپذیری
ارتش تا بن دندان مسلح صهیونیستی بود که امروز
در وضعیت به مراتب بدتری قرار دارد.

بی‌شک موفقیت‌های راهبردی اعم از میدانی
و سیاسی جبهه مقاومت در سال‌های اخیر در
فلسطین اشغالی، سوریه، عراق، یمن و سرتاسر
منطقه که آستانه تحمل صهیونیست‌ها را به کمتر از
۲ روز کاهش داده است، امتداد همان مسیری است
که در جنگ ۳۳ روزه علیه اشغالگران صهیونیستی
گشوده شد.

بزرگداشت این مهم در شرایطی که رژیم صهیونیستی
با بحران‌های موجودیتی در دو عرصه داخلی و
خارجی مواجه است و امروز در شرایط نابودی
قرار دارد، پیام قدرت و اقتدار به اشغالگران است
که تورریسم، اشغالگری و کشتار، بازدارنده،
امنیت‌آفرین و مانع فروپاشی نیست.

در پایان ضمن درود فراوان به ارواح پاک تمامی
شهیدای مقاومت به ویژه شهید شهید حاج قاسم
سلیمانی و شهید عماد مغنیه که نقش برجسته‌ای
در پیروزی جنگ ۳۳ روزه داشتند، عزت و سربلندی
بیش از پیش برای جنابعالی و پیشرفت و تعالی ملت
لبنان را مسالت می‌نمایم.

«یادداشت - ۲»

مبارزه با داعش از بستر رشد آن

داده است، ما را به این واقعیت می‌رساند که این روند جذب انجام
گرفته و در واقع نسبت به تشدید آن نگرانی‌هایی جدی وجود دارد.
اگر طالبان به برخی روندهای حکومتداری خود در به حاشیه راندن
هر چه بیشتر برخی گروه‌های قومی و اقلیت‌ها ادامه دهد یا اینکه
نسبت به رخدادهایی چون ترور و قتل برخی مسئولان و نظامیان
سابق همچنان بی‌تفاوت باشد، تردیدی نیست که روند جذب این
ناراضیان و مخالفان امارت به داعش هم تشدید و تسریع خواهد شد.
۳. جمهوری اسلامی ایران از زمان سقوط نظام جمهوری استعرا
نظام امارت اسلامی طالبان در افغانستان، به رغم برخی اختلاف
دیدگاه‌های سیاسی، امنیتی و حتی فرهنگی که با حاکمان جدید
کابل داشته است، باز هم از هر گونه اقدامی که در راستای تضعیف
حاکمیت دولت مرکزی در این کشور انجام گیرد، پرهیز کرده و
حتی به مخالفان طالبان اجازه هرگونه تحرک و فعالیت سیاسی در
داخل ایران را نیز ندادده است. در توجیه این رویکرد مسالمت‌جویانه
مبتنی بر همکاری دوسویه نیز عوامل و دلایل متعددی دخیل
می‌باشد که به طور قطع بحث ثبات منطقه و افغانستان و جلوگیری
از ناامنی در مرزهای شرقی جمهوری اسلامی محور اصلی این
تعامل قرار می‌گیرد. این موضع حقوقی است که ناامنی و هرج و مرج
در افغانستان بستر حضور و گسترش فعالیت گروه‌های تورریستی
چون داعش را در منطقه فراهم می‌کند و وجود یک حکومت مقتدر
مرکزی در این کشور می‌تواند مانع عمده‌ای بر سر راه آنها تلقی شود.
از طرف دیگر با توجه به مواضع مشترک طالبان و جمهوری اسلامی
برابر گروه‌هایی چون داعش، می‌توان روی همکاری نزدیک آنها
برای تقابل با این حرکات تورریستی حساب باز کرد.

اما همه اینها نباید ما را به غفلت از یک موضوع مهم تر سوق دهد؛
این مهم که به مسائل و حوزه‌های امنیتی باید نگاهی بلندمدت
داشت و آنها را در چهارچوب اهدافی پایدار دنبال کرد. بر این
اساس بر مبنای روند فعلی و با اتکاب بر مصالح امنیتی کوتاه‌مدت،
همکاری و همراهی با امارت اسلامی طالبان قابل توجیه به نظر
می‌رسد، اما آیا نحوه زمامداری طالبان و سیستم حکومتی که
آنها در حال اجرای آن هستند، به گونه‌ای است که در راستای
امنیت پایدار و بلندمدت منطقه و جمهوری اسلامی ایران باشد؟
شاید حوادث تورریستی مانند آنچه که در حرم حضرت شاهچراغ
رخ داد این هشدار را به مسئولان جمهوری اسلامی می‌دهد که
برای دستیابی به امنیتی پایدار در منطقه و به تبع آن در محدوده
مرزهای جمهوری اسلامی، نیاز است تا به برخی رویکردهای
سیاسی که چهارچوب بلندمدت‌تری دارند، توجه بیشتری داشته
باشند. بحث لزوم تشکیل حکومتی فراگیر و توأم با رعایت حقوق
قومیت‌ها و اقلیت‌های مذهبی و البته در کنار آن شکل‌دهی یک
دولت مدرن و مبتنی بر شاخصه‌های مهمی چون قانون اساسی
و ضابطه‌مند شدن حکومت که از ابتدای استقرار طالبان یکی از
محورهای اساسی سیاست خارجی ایران در قبال افغانستان بوده،
یکی از همان حوزه‌هایی است که با فشاری هرچه بیشتر بر آنها
می‌تواند در از بین بردن بستر رشد داعش در افغانستان و منطقه
بسیار تاثیر گذار باشد.

میراحمد رضا مشرف پژوهشگر حوزه بین‌الملل

در شرایطی که هنوز به
نخستین سالگرد حمله
تورریستی پیشین به حرم حضرت
شاهچراغ نرسیده‌ایم، وقوع یک حمله تورریستی دیگر در این مکان
و شهادت و مصدومیت تعدادی از خادم و زائران این آستان مقدس
بسیار تکان دهنده و تاسف‌بار است. شواهد و قرائن و شباهت‌هایی
که میان این حمله و رخداد تورریستی سال گذشته وجود دارد،
جسای تردیدی باقی نمی‌گذارد که باز هم پای داعش و عناصر
تورریست آن در میان است. علاوه بر این بر مبنای اخبار منتشر شده
از سوی منابع امنیتی، فرد تورریست خارجی، تاجیک‌تبار و از اتباع
کشور تاجیکستان بوده است. با توجه به اینکه عناصر تورریست
حادثه سال قبل حرم حضرت شاهچراغ نیز از موقعیت جغرافیایی
تقریباً مشابهی بودند، شاید یادآوری چند نکته در این زمینه ضرورت
داشته باشد.

۱. جغرافیای تهدیدات داعش در قبال جمهوری اسلامی ایران از
مرزهای غربی به سوی منطقه شرق و مرزهای آن تغییر مکان داده
است. تردیدی وجود ندارد که وضعیت مناطق شرقی ایران و به‌طور
خاص افغانستان در این جبهه‌جایی بسیار تاثیر گذار بوده است.
۲. علاوه بر جبهه‌جایی جغرافیایی محدوده عملیاتی داعش در
منطقه پیرامونی ایران، یک جبهه‌جایی درونی در روند عضوگیری
و احتمالا تشکیلاتی داعش را نیز شاهد هستیم. بر این اساس از
زمان شروع فعالیت داعش در این منطقه با عنوان «داعش خراسان»،
عمده تمرکز این گروه برای عضوگیری و فعالیت بر نواحی در داخل
پاکستان یا مناطق مرزی میان پاکستان و افغانستان متمرکز بوده
است. اعلام بیعت برخی رهبران و اعضای تحریک طالبان پاکستان
با داعش طی سال‌های گذشته گواهی بر همین موضوع بود.
در عین حال برخی اعضای طالبان افغانستان نیز که به نحوی با
رخدادهای درونی این گروه و به‌خصوص مذاکرات و معاملات آنها
با آمریکا مشکل داشتند، جذب داعش خراسان شدند. اما در چند
سال اخیر و به‌طور مشخص از زمان استقرار طالبان در افغانستان به
نظر می‌رسد تغییراتی در موقعیت جغرافیایی و بافت قومی اعضای
داعش پدیدار شده است. کوچ تشکیلاتی از مرزهای پاکستان و
افغانستان به مناطق شمالی افغانستان و عضوگیری و جذب نیرو
از میان مردم این مناطق یا از اقراط گرایان کشورهای آسیای مرکزی
اکنون به یک روند پایدار در درون داعش تبدیل شده است. با توجه
به روابط تیره و تار طالبان و داعش و رقابت‌های کهنه میان آنها بر
سر حوزه‌های نفوذ در منطقه، در حال حاضر میان منافع این گروه
و عناصر مخالف و ناراضی از حکومت طالبان یک همپوشانی آشکار
به وجود آمده است. دقیقاً به همین دلیل است که در ماه‌های
اخیر شاهد هستیم که داعش برای جذب مخالفان و ناراضیان
حکومت طالبان، فراخوان صادر کرده و از گروه‌هایی مانند جبهه
مقاومت ملی درخواست همکاری می‌کند. این مورد که برخی
عملیات‌های انتحاری و نظامی داعش توسط افرادی از قومیت‌های
مستقر در شمال افغانستان یا آسیای مرکزی انجام می‌شوند،
مانند عملیات‌هایی تورریستی که در حرم حضرت شاهچراغ رخ

کارشناسان ایرانی در افغانستان از چه چیزی بازدید کردند؟

طالبان درباره کجکی راست نمی‌گویند



ابوالقاسم رحمانی
دبیر گروه جامعه

در یکی دو روز اخیر بعد از ماجرای شاهچراغ و قبل و حتما بعد
از آن بالاتر از این حمله تورریستی، مساله سیستان قرار داشته
و خواهد داشت. مساله بی‌آبی مردمی که سال‌هاست در ویت‌ترین
ناکارآمدی در حوزه‌های مختلف اسپرند و نه دل بیرونی‌های بی عقل و
به دور از مدنیت به حال شان می‌سوزد که آب را به روی شان باز کنند و
نه فکر داخلی‌ها گره از کارشان باز می‌کند.
خبرها را یکی در میان مرور می‌کنم، انبوهی از فیلم و عکس و گزارش
مقابل چشم‌پوشی‌ها می‌روند و من هم مدام صفحات جست‌وجوی گوگل را
ورق می‌زنم و ماه به ماه و سال به سال عقب‌تر، چیزی جز همین‌هایی که
امروز می‌گویند و می‌نویسند و منتشر می‌کنند نمی‌بینم. فقط همه چیز
نسبت به قبل بدتر شده. کلیدواژه مشکلات فعلی و اورژانسی سیستان
هم، فغلا آب است. حال این کم‌آبی از کجاست و چرا این طور گردوغبار
و خشکسالی پاری گلوی سیستانی‌ها گذاشته، شرح مفصلی دارد و
آقدر تکرار شده که نه حوصله شما می‌کشد و نه من علاقه‌ای به فرقه
چندباره اش دارم. فقط برای یک فرقه از علت‌ها یعنی ماجرای عدم تامین
و تخصیص حق‌های هم‌رند توسط طرف افغانستانی (طالبان) چندخطی
می‌نویسم که هم‌بدانیم با چه جماعت بدوی و به‌دور از مدنیتی مواجهیم
و باید چه رویه‌ای با آنها داشته باشیم و هم اینکه بدانیم فغلاول معظمین
چون این بلاتکلیفی موجود و ناتوانی در تعامل با همسایه هنوز به دوران
نرسیده بین مسئولان خودمان هم خودنمایی می‌کند و نیاز به یک
بازخوانی دوباره از وضعیت موجود و شرایط مطلوب داریم. اینها را که
نوشتم یاد جمله یکی از دوستانم که این روزها در سیستان و بلوچستان
مشغول تهیه گزارش از وضعیت مردمان نجیب آنجاست افتادم که گفت
مساله اول و گره ناکارآمدی و ناتوانی در حل شبکه مسائل این
استان - بی‌مساله‌گی است، یعنی نمی‌دانیم دقیقاً چه چیزی، برای
چسه زمانی و به چه قدرتی می‌خواهیم. فقط می‌دانیم خیلی چیزها
کم است و راهی برای جبران این کمبود پیدا نکرده‌ایم، چون دقیقاً
نمی‌دانیم آن کمبود چیست!

مقدمه سخت و پیچیده‌ای شد که خوب به نظر برای درک بی‌مساله‌گی
لازم هم بود. بگذریم. حقیقت ماجرا اما اینکه مدت‌هاست برای تامین
آب در جنوب شرق کشور و در منطقه سیستان چشم انتظار مامشات
همسایه‌ایم. افغانستان طالبانی مدت‌هاست از تامین حق‌های هم‌رند
امتناع می‌کند و مدعی است آبی نیست که بخواهد آن را به سمت
ایران بفرستد. منتها هم کارشناسان ایرانی و هم تصاویر ماهواره‌ای
ادعایی خلاف این دارند و مشخص است که طالبانی‌ها برخلاف
ادعاهای خود هستند آب را به روی مردم ایران باز کنند و هر روز هم بهانه
جدیدی می‌تراشند و پشت سر هم بیانه‌ها و اطلاعیه صادر می‌کنند که
چنین است و چنان.

بعد از چندین بار خواست و امتناع، بعد از دستور رئیس‌جمهور و مطالبه

وزیر و نماینده و... بالاخره فرصتی فراهم شد جهت بازدید کارشناسان
ایرانی از سد کجکی و بررسی ادعاهای طالبان، وزیر خارجه ایران هم
مساله را تایید کرد. منتها در جریان این بازدید هم طالبانی‌ها زرتنگی
کردند و به جای اینکه دست کارشناسان ما را بگیرند و یا لاسر سد بزنند تا
حقیقت ماجرا روشن شود، آنها را به پهراود، سرچشمه‌سند کجکی بردند
و گفتند می‌بینید ورودی آب چقدر افت کرده؟ پس آبی نیست که ما به
ایران بفرستیم. هرچقدر هم که نمایندگان ایران اصرار کردند که بازدید از
پهراود کمکی به فهم وضعیت تامین آب هم‌رند نمی‌کند و نمی‌توان
با یک‌بار بازدید تصویر و تخمین دقیقی از وضعیت آب موجود در سد
کجکی داشت و باید از آنجا هم بازدید کنیم، گوش شان بدهکار نبود
و نشد و با اشاره به مفاد عهدنامه مانع از بازدید ایرانی‌ها از سد کجکی
شدند. به بیان ساده‌تر، زیر کاسه کوزه هر بحث و تحلیل کارشناسی
زدند و روی مهمات خودشان پافشاری هم کردند.

از وضعیت طرف طالبانی و مواجبه آنها با حق‌های هم‌رند و خشکی جنوب
شرق ایران گفتیم، چند خطی هم از خودمان بنویسم و تناقضاتی که
بین دولتی‌ها وجود دارد. محمدجوانی‌بخت، معاون وزیر نیرو در امور آب
که به‌تازگی از سفر افغانستان بازگشته، گفت: «طبق معاهده ۱۳۵۱
باید سالانه ۸۲۰ میلیون مترمکعب از آب رود هیرمند وارد ایران شود
و به مصرف تامین آب سیستان و زاهدان برسد، اما این اتفاق در ۴
سال گذشته رخ نداده و آب موثری راه‌سازی نشده است. یکی از
پیش‌بینی‌های معاهده این بوده که هر زمان از آمار طرف مقابل قانع
نشدید درخواست بازدید داده شود. بر این اساس ما طی ۱۵ سال
گذشته سه جلسه با کمیساران و دو جلسه حاشیه‌ای برگزار کردیم،
اما در هر حال اجازه بازدید داده نمی‌شود. در نهایت بعد از اصرار ما و
کمک وزارت امور خارجه پذیرفتند که بازدید داشته باشیم البته بازدید
در زمانی که رودخانه بیشترین آبدهی را دارد موثر است. متأسفانه در
این سفر، مقامات افغانستان اجازه بازدید از مخزن سد کجکی را که
در تصاویر ماهواره‌ای مشخص است ذخایر آبی مناسبی دارد، به تیم
فنی ایران ندادند.»

خب همین‌طور که در سخنان معاون وزیر نیرو مشخص است امکان
بازدید از مخزن سد کجکی فراهم نشده است، این درحالی است که
حسین امیر عبداللهمان وزیر امور خارجه کشورمان بعد از بازدید
مقامات ایرانی گفته: «هفته گذشته بر مبنای قرارداد ۱۳۵۱ با همکاری
هیات حاکمه موقت افغانستان هیات فنی ایران از وضعیت آب در سد
کجکی بازدید کرد. این هیات اکنون به تهران بازگشته و ما منتظر هستیم
که گزارش فنی آنها را دریافت کنیم.» «خب چی شد؟ گمان می‌کنم
ادعای معاون وزیر نیرو بیشتر از وزیر امور خارجه به واقعیت نزدیک
باشد و این هم در خوشبینانه‌ترین حالت یک تناقض سهوی است!
قصه اینکه در ماجرای تامین حق‌های هم‌رند و رفع عطش سیستان
از یک طرف ما با یک حکومت بدوی آن طرف مرزها طرفیم که نیازمند
مواجهه‌ای غیر از مسیرهای مرسوم دیپلماتیک برای سربراه کردن شان
هستیم و از طرف دیگر باید سرگردمی و بلاتکلیفی در داخل دست‌وپنجه
ترم می‌کنیم که دود هر دو به چشم مردم می‌رود.